

رباعی سرلوحه و دیباچه کار فرخی یزدی در روزنامه «طوفان»

محمد رضا تقیه*

دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اقلید، اقلید، ایران

پروین مرتضایی**

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، مرکز آموزش عالی اقلید، اقلید، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۲۶)

چکیده

فرخی یزدی یکی از نویسندگان و شاعران مبتکر در بیان مشکلات اجتماعی است. او با درهم آمیختن شعر، روزنامه و سیاست سبب شد با روشی نو، شیوه روبه‌رو شدن با مسائل اجتماعی را به دیگران بیاموزد. این شاعر انقلابی با انتشار روزنامه «طوفان»، روش خود را که برخاسته از باورش بود برای مبارزه با ظلم و ستم به مردم معرفی کرد. او برای این نوع روش مبارزه، در روزنامه متناسب با رویدادهای اجتماعی و سیاسی در ابتدای هر شماره، یکی از رباعیات را عنوان کار خود قرار داد و بدین طریق موضع روزنامه را مشخص می‌کرد. براساس آن، مطالب دیگر روزنامه را مطرح کرده به مسائل سیاسی- اجتماعی و انتقادی می‌پرداخت. انتخاب قالبی کوتاه برای بیان انتقادات در نوع خود قابل توجه است. در این مقاله به بررسی این نوع رباعیات با عنوان: آزادی، برابری و عدالت اجتماعی، انقلاب، انتقاد از انتخابات و نادرستی آن و دفاع از توده‌های مردم فقیر و... پرداخته شده و نتیجه این که شیوه مبارزه فرخی یک شیوه کاملاً ابتکاری است. سرودن شعر و قرار دادن آن به عنوان میحث اصلی و تیتیر روزنامه از نوآوری‌های فرخی است. این اشعار، دسته‌بندی موضوعی شده تا روش کار شود.

واژگان کلیدی: آزادی، انقلاب، رباعی، فرخی، طوفان.

* E.mail: taghiehmr1345@gmail.com

** E.mail: parvin.mortazaie@yahoo.com (نویسنده مسئول)

مقدمه

میرزا محمد فرخی یزدی در سال ۱۲۶۷ در یزد متولد شد، وی در اوایل نوجوانی با بهره گیری از استعداد شعری خود با سرودن اشعاری به مبارزه با ظلم و ستم پرداخت. نخستین سروده او در آغاز نوجوانی به اخراجش از مدرسه انجامید. چند سال پس از اجرای مشروطیت وی به تهران آمد و در صف مبارزان ظلم و ستم قرار گرفت. «در سال ۱۳۰۰ به انتشار روزنامه «طوفان» پرداخت و با لحن تند و بی پروای خود، طوفانی به پا می کرد بارها تعطیل شد؛ در هشت سال مدت انتشار خود، پانزده بار توقیف و صاحب امتیاز آن به دادگاه کشیده شد» (آرین پور، ۱۳۸۲: ۵۰۵). او در دوره هفتم مجلس به عنوان نماینده مردم یزد انتخاب شد. در پایان این دوره به علت انتقادهای تند و کوبنده از دولت به مسکو و از آنجا به آلمان گریخت. وی در سال ۱۳۱۲ شمسی به وطن بازگشت و با قرارداد ۱۹۱۹ و ثوق الدوله به شدت به مخالفت برخاست. او بارها به سبب آزادی خواهی خود و مبارزه با ظلم و ستم حاکمان، زندانی شد و سرانجام جان شیرین خود را در راه وطن دوستی و آزادی خود در زندان شاه در سال ۱۳۱۸ از دست داد» (حسینی کازرونی، ۱۳۷۸: ۱۲-۵).

«او در گیرترین شاعر عصر مشروطه بود، در تمام عمر خود، پیاپی مشغول مبارزه با حاکمان عصر خود بود و هر رخ داد اجتماعی او را به واکنش وامی داشت» (همان: ۲۱). فرخی در راه مبارزه انقلابی خود از روشی خاص استفاده کرده است؛ از جمله انتشار روزنامه طوفان که با چنین هدفی ایجاد شده بود. «روزنامه طوفان به صاحب امتیازی وی با آرم سرخ رنگ انقلابی، شامل مطالب تند انتقادی و سیاسی بود» (همان: ۲۲). «در روزنامه طوفان به غیر از خبرها و مقاله های سیاسی- اجتماعی، مطالب ارزشمند تاریخی و ادبی هم منتشر می شد که رباعیات و غزلیات بارزترین نمونه آن ها است» (مسرت، ۱۳۸۴: ۲۵۰).

در روزنامه طوفان از قالب‌های شعری گوناگون، بهره برده است؛ یکی از این قالب‌ها، رباعی است. درباره رباعی باید گفت که در میان قالب‌های شعر فارسی، دارای انسجام بیشتری است و هماهنگی منسجمی میان مصراع‌های آن وجود دارد. اخوان ثالث درباره رباعی بر این باور است: «شعر خوب امروز مثل ساختمان یک رباعی استادانه است که هر مصرع وظیفه‌ای خاص در مجموع هماهنگ شعر دارد برای رساندن معنی و ضرب آخر که در مصراع آخر می‌آید» (اخوان، ۱۳۶۹: ۲۷۲).

۱. پیشینه پژوهش

در معرفی و بیان ویژگی‌های رباعیات فرخی باید گفت که وی از جمله شاعران مبارز است که به شیوه‌ای ابتکاری هربار با انتشار یک رباعی در راستای بیان اهداف در حقیقت آن را سرلوحه کار مبارزاتی و دیباچه کلام خود را قرار داده است؛ او رباعی را در روزنامه برای تقابل با ظلم و ستم زمانه خود به کار گرفته است. بنابراین، در نوع خود در خور توجه است و هیچ مقاله‌ای که به مبارزه با سرودن شعر در قالب رباعی در روزنامه پرداخته باشد، درباره فرخی یزدی نوشته نشده است.

محمود صادق‌زاده (۱۳۸۷) در مقاله «بررسی اصلاح‌طلبی و نوگرایی از دیدگاه فرخی»، حسین مسرت (۱۳۸۷) در مقاله «نام فرخی یزدی از صفحه تاریخ زدوده نخواهد شد»، فاطمه مدرسی و فرشته رستمی (۱۳۹۳) در مقاله «جلوه‌های ادبیات پایداری در سروده‌های فرخی یزدی»، محمدعلی صادقیان (۱۳۷۹) در مقاله «بن‌مایه‌های درد و رنج در شعر فرخی یزدی»، مهدی ملک‌ثابت (۱۳۸۳) در مقاله «اندیشه‌های دینی در اشعار فرخی یزدی» و قاسم صافی (۱۳۸۱) در مقاله «فرخی یزدی، شاعر سرافراز فرهنگ و ادب ایران»، محققانی هستند که درباره فرخی مقالاتی نوشته‌اند، اما مسأله سرلوحه قرار دادن رباعی در روزنامه را - که در نوع خود روشی کم‌نظیر آن هم از شاعری که در سه ضلع مثلث

مبارزه، شاعری و سیاست قرار داشته و هریک از اضلاع این مثلث را به خوبی به درجه مطلوب و ارزشمند رسانیده است - مورد توجه قرار نداده‌اند. بنابراین، در این مقاله کوشش شده تا با جست‌وجو در رباعیات فرخی که سرلوحه روزنامه قرار گرفته، شیوه مبارزه وی را به مخاطب شناسانند و ویژگی‌های رباعیات وی از این منظر تبیین شود.

۲. روش پژوهش

شماره‌های روزنامه طوفان از شماره ۱۸ سال اول تا شماره ۷۲ سال دوم مورد مطالعه قرار گرفت و به روش تحلیل، محتوای روزنامه و رباعیات آمده در آن سعی شده تا توجه به نگرش فرخی در مطالب آمده مورد بررسی و وکاوی قرار گیرد و شگرد فرخی در کاربرد رباعی در این نوع کارکرد با چنین روشی تبیین شود.

۳. بحث و تحلیل

این که فرخی، رباعی را برای بیان اندیشه‌های مبارزه برگزیده، شاید دلیل علاقه به کوتاه بودن ساختار آن است؛ بنابراین، وی با ابتکاری زیبا، سرآغاز تمامی روزنامه‌های طوفان را با یک رباعی مزین کرده است. گویی رباعی در ابتدا به صورت اجمالی موضوع روزنامه را در هر شماره معرفی می‌کند. قالب مختصر و تراکم‌پذیر رباعی آن استعداد را دارد تا قالبی مناسب برای تراوش اندیشه‌های سیاسی قرار گیرد و از نکات تأمل‌برانگیز در این باره، تناسب و وحدت مضمون رباعی با موضوع روزنامه است.

«برای الفاظ آزادی‌خواهی، میهن‌دوستی، استبدادشکنی، سربازی و سرانجام جان‌بازی که از دیرباز در کشور ما معنی و مفهوم حقیقی نداشت، مصداق حقیقی به‌شمار می‌رود» (توکل‌محمدی، ۱۳۹۰: ۶۷). بنابراین، درون‌مایه آزادی، انقلاب، ظلم‌ستیزی، پیکار با بیگانه‌پرستی، انتقاد از حاکمان زر و زور، ارتجاع، فترت، استبداد، مجلس و دفاع از مردم

رنج دیده به ویژه دهقان و کشاورز از مهم ترین مضامین رباعیات هستند؛ با وارد شدن این مضمون‌ها به رباعیات، ناچار زبان نیز تغییر کرده و همسو با محتوا حرکت کرده است.

۳-۱. درون‌مایه رباعیات در روزنامه طوفان

شعر فرخی بیشتر بیانگر مسائل سیاسی و اجتماعی است. سروده‌هایش صدای ملتی است که از نبودن، آزادی و عدالت رنج می‌برند و شعر و شاعری را به‌عنوان بهترین حربه مبارزه خود انتخاب کرده و با هدف انتقادهای سیاسی و اجتماعی از این هنر ارزشمند بهره برداری می‌کند؛ در راه رسیدن به اهداف خود و تحقق عدالت و آزادی در وطن از قالب رباعی نیز استفاده کرده و در شماره‌های متعدد روزنامه طوفان، رباعیات خود را در صدر مطالب قرار داده است، با توجه به مضمون‌های به‌کاررفته در این رباعیات، می‌توان آن‌ها را دسته‌بندی کرده و به بررسی محتوای آن‌ها پرداخت.

۳-۱-۱. آزادی

یکی از مضمون‌های مورد علاقه، آزادی است که وی بارها در اشعار خود و به‌ویژه در رباعیاتش به این مهم پرداخته و با زبان قلم از آزادی دفاع کرده است.

گر درد و غم قدیم تجدید شود یا دوره ارتجاع تمدید شود
بہتر کہ ز آرای لواسان خراب آزادی ما یکسره تهدید شود

(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۸۸)

در این رباعی، حاضر است به هر قیمتی آزادی را حفظ کند؛ تحمل درد و غم، گوشه نشینی و انزوا یا هر راه کاری که از قربانی شدن آزادی جلوگیری کند، خواسته او است و

تلاش می‌کند تا به آزادی دست پیدا کند و با تأکید بر حفظ آن، اهمیت آن را یادآور می‌شود. در یکی از نوشته‌های خود در همین شماره می‌گوید: «پروردگار مطلق، نعمت وجود را برای زیست و تنعم به عامه ارزانی داشته است، مقدس‌ترین فریضه زندگی آزادی و حریت است» (فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۶۴).

فرخی در نوشته‌ای دیگر آزادی را گرانبهارترین گوهر حیات انسان معرفی می‌کند: «ما در سایه حس بیم و امید که قوانین طبیعت از نخستین روز خلقت آرایش ذات بشر کرده بود قیام نموده، برای تحصیل گوهر حیات؛ یعنی آزادی قدم به میدان مبارزه ارتجاع نهاده‌ایم...» (فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۱۷).

۳-۱-۲. برابری و عدالت اجتماعی

از دیگر خواسته‌ها، برقراری عدالت اجتماعی و برابری و مساوات میان اقشار مختلف جامعه است، او بر این باور است که عدالت و برابری همراه با خلقت انسان وجود داشته و هیچ انسانی حق برتری اجتماعی بر دیگران را ندارد؛ بنابراین همه افراد جامعه انسانی باید از حقوق یکسان برخوردار باشند و در تأکید بر خواسته خود این گونه سخن می‌گوید: «علی بن ابی طالب (ع) که ذات حق و حق محض بود به اتکای کلمه اسلام با روحانیت کاملی که در وجود مقدس او احاطه داشت، میان عرب و غیر عرب تفاوتی قایل نبود...» (فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۲۲).

عالم همه عابدند و معبود یکیست دنیا همه ساجدند و مسجود یکیست
با دیده انصاف چونیکو نگری روحانی و ما را همه مقصود یکیست
(همان)

در جهان، اگر با دیده انصاف و از روی عدالت داوری کنیم، همه انسان‌ها مساوی خلق شده‌اند و هدف کمال و رستگاری و قبله مقصود واحد و یگانه است؛ در این رباعی اندیشه‌های دینی و مذهبی نوعی تراوش کرده و یگانه‌پرستی و خداشناسی را می‌توان از ورای اشعارش مشاهده کرد.

دنیا چو یکی خانه و جای همه است وین خانه غم سرا، سرای همه است
این است که عیش و نوش این دنیا هم از بهر یکی نیست برای همه است
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۶۷)

فرخی با تأکید بر این که دنیا سرای غم و اندوه است، یادآوری می‌کند که عیش و نوش و غم و اندوه این جهان نیز باید برابر تقسیم شود و به شیوه غیرمستقیم به انتقاد از حاکمانی می‌پردازد که غم و اندوه را سهم مردم فرودست جامعه می‌دانند و عیش و نوش، راحتی، آسایش و کامروایی را حق مسلم خود می‌دانند.

دنیا که سعادتش بود مال همه از چیست که نیست شامل حال همه
شهری که شرافتش برای همه نیست ای وای و دو صد وای بر احوال همه
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۶۴)

در باور او، عدم تساوی و برابری در امکانات جامعه، ناشی از بی‌عدالتی حاکمان است. با بیان دیگر، غیرمستقیم و تأکید بر تساوی حقوق همه مردم، نیش انتقاد خامه خود را متوجه مقصران واقعی این فاجعه می‌داند و از مردم نیز به گونه‌ای انتقاد می‌کند که چرا حقوق ضایع شده خود را مطالبه نمی‌کنند.

در مسلک ما که عزت و ذلت نیست سلطان و فقیر و کثرت و قلت نیست
هر کس که به دست خویشتن کار نکرد صالح به نمایندگی ملت نیست
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۵۹)

مسلک و شیوه مبارزه خود را براساس برابری و عدالت بنا نهاده و اعتراف می کند که فقیر و غنی در جهان‌نگری او با هم برابرند و باید به یک اندازه از نعمت‌های جامعه بهره مند شوند و کسی را شایسته حاکمیت جامعه می داند که برای رفاه، آسایش و سعادت همه افراد جامعه تلاش کند.

جمعی ز غنا صاحب افسر باشند یک دسته ز فقر خاک بر سر باشند
باید که بر این فرود و از آن یک کاست تا هر دو برادر و برابر باشند
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۴۷)

همه افراد جامعه باید با هم برادر و برابر باشند، این شعار همیشگی او بود و اگر در جامعه گروه در عسرت و سختی به سر می‌برند و تضاد طبقاتی مردم را رنج می‌دهد، دلیلش نابرابری اجتماعی و عدم تقسیم یکسان منابع جامعه است.

۳-۱-۳. انقلاب

«هوادار روش‌های خونین و قهرآمیز بود و حل ناهنجاری‌های درون جامعه را تنها از طریق روی دادن انقلابی خونین امکان‌پذیر می‌دانست و آن را کارآمدترین شیوه برای نجات جامعه از چنگال استبداد حاکمان زمانه خود برمی‌شمرد» (صدری‌نیا، ۱۳۷۸: ۱۷). بارها در

اشعار خود بر لزوم انقلاب و تحول در جامعه تأکید می‌کند و به انواع گوناگون این ضرورت را یادآور می‌شود. انقلاب، قیام و خیزش از آرزوهای همیشگی فرخی بوده است.

روزی ست که اقدام غیورانه کنیم از پیر و جوان جنبش مردانه کنیم
وان کاخ که آشیانه فتنه بود با آلت انتقام ویرانه کنیم
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۲۹)

انقلاب یک اقدام غیورانه است که پیر و جوان نمی‌شناسد و همه در برابر جامعه و یکدیگر مسئول هستند؛ بنابراین بهترین راه مبارزه با اهل فتنه و ستم، انقلاب است و راه انگیزش آن و وسیله ایجاد انقلاب، انتقام است؛ باید جوهر و انگیزه انقلاب را از طریق انتقام به وجود آورد.

در مملکت انقلاب می‌باید و بس و ز خون عدو خضاب می‌باید و بس
خواهی تو اگر شوی موفق فردا امروز دگر شتاب می‌باید و بس
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۷۲)

راه رسیدن به پیروزی از بطن انقلاب می‌گذرد جز انقلاب و قیام، هیچ راه کاری پاسخ‌گوی مشکلات اجتماعی نخواهد بود؛ بنابراین باید برای رسیدن به فردای بهتر قیام کرد. انگیزه جنبش را با این بیان مستقیم و آتشین در میان مردم ایجاد کرده، فرصت را نباید از دست داد. بارها اغتنام فرصت و بهره‌گیری از زمان را به مردم هم‌عصر خود یادآور می‌شود و بر این باور است که آن قدرت و توانایی که بتواند مردم را از تیره روزی نجات دهد باید در خود مردم جست‌وجو کرد و باید سرنوشت خویش را تغییر دهند.

دل زمزمه‌های انقلابی دارد در عین جنون حرف حسابی دارد
گوید که ز چیست مستشار بلدی این طور سر خانه خرابی دارد
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۹۹)

فرخی یزدی خود را یک انقلابی مبارز معرفی می‌کند و با این تحکیم در بیان، تلاش می‌کند، انگیزه جنبش انقلابی را در میان اقشار گوناگون جامعه زمان خود به وجود آورد و آن‌ها را با خود همراه کند. او تنها راه درست و حرف حسابی را انقلاب کردن عنوان می‌کند و خراب بودن مملکت، بهترین دلیل برای قیام است.

۳-۱-۴. انتقاد از انتخابات و نادرستی آن

یکی از پربسامدترین مضمون‌های به کار رفته در رباعیات، انتقاد صریح و بی‌پرده از نحوه برگزاری انتخابات در جامعه زمان خود و نادرستی آن است. وی منشا همه مشکلات جامعه را این رفتارندوم‌های بی‌اساس برمی‌شمرد.

افسوس که از رأی خراب من و تو یک مرتبه شد پاک حساب من و تو
آراء لواسان چو به خوبی خوانند حاکی ست ز سوء انتخاب من و تو
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۹۰)

صندوقچه که جای آراء شده است هم روح گداز و هم دل آرا شده است
دیو و دد و دام و وحش و طیر است در آن این جعبه مگر جنگل مولا شده است
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۸۱)

آن جعبه که رأی خلق گنجینه اوست بی‌مهری روزگار از کینه اوست
فرمان سعادت و شقاوت دارد این راز نهفته که در سینه اوست
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۷۷)

در این اشعار با صراحت در گفتار و با بیانی کوبنده و قاطع، انتخابات را به باد انتقاد می‌گیرد و بر نادرستی آن اصرار می‌ورزد و نیکبختی و سعادت مردم جامعه را در گرو انتخاب نماینده صالح می‌داند که از دل صندوقچه‌های آرا بیرون نمی‌آید و با حسرت و اندوه از این انتخابات ناشایست و نادرست سخن می‌گوید و مردم را از این مسأله آگاه می‌کند.

۳-۱-۵. دفاع از توده‌های فقیر جامعه

بارها در اشعار خود به دفاع از محرومان می‌پردازد و در منشور مبارزه او، دهقان، فقیر، مستأجر، غنی و متمول، از حقوق یکسان برخوردار هستند.

گر مشکل فقر و ثروت آسان گردد آسوده ز غم توده انسان گردد
گرگی ست که گشته حارس میش ز جور مالک چو نماینده دهقان گردد
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۵۹)

بارها به شیوه مستقیم و غیرمستقیم از طبقه دهقان و فقیر جامعه دفاع می‌کند و بر احقاق حقوق آنان اصرار می‌ورزد؛ دهقانان، در شرایط نابسامانی به سر می‌بردند و مالکان حقوق آن‌ها را دست‌مایه خواسته‌های نابجای خود قرار می‌دادند. بنابراین، وی اربابان را

افرادی گرگ صفت می‌داند که بر دهقانان ستم روا می‌دارند. با انتخاب این لقب برای مالکان از نهایت قساوت، سنگدلی و ستم آن‌ها پرده برمی‌دارد.

ابناء بشر که زاده بوالبشرند آن توده اصل زارع و کارگرند
صنف دگری معاونند آن‌ها را باقی همه جمع فرعی و مفت خورند
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۵۰)

در مسلک مالک ملکی سالک شد از عشق به ملک آن ملک هالک شد
آورد فشار چون به مستأجر خویش نامش به زبان دوزخی مالک شد
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۹۷)

با بیانی تند و آتشین از مالکان هم‌عصر خود انتقاد می‌کند و با دادن لقب‌های از قبیل مالک دوزخ و مفت‌خور، درستی عملکرد آن‌ها را زیر سؤال می‌برد و به دفاع از فرودستان جامعه خود می‌پردازد.

این پول که صاحبان القاب خورند خون دل ماست چون می‌ناب خورند
تا کی عرق جبین یک ملت را بگرفته و قطره و قطره چون آب خورند
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۶۳)

عرق جبین ملت، رفاه و آسایش حاکمان ظالم را فراهم کرده و شراب عیش و نوش افراد ظالم جامعه از خون دل مردم است. با شجاعت و صریح، شخصیت واقعی سرمداران نابخرد زمان خود را برای همگان آشکار می‌کند.

۳-۱-۶. انتقاد صریح از کارگزاران

در ابیاتی متعدد نمایندگان و کارگزاران داخلی و خارجی ایران زمان خود را معرفی کرده و از آنان انتقاد می‌کند.

آنان که پریر قلب ما را خستند دیروز قرار با اجانب بستند
دوشینه یگانه عضو دولت بودند امروز نماینده ملت هستند
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۱۷)

در این ابیات، سیاست خارجی ایران زمان خود را زیرسؤال برده و از بیگانه‌دوستی آنان و سرسپردگی‌شان به دولت‌های غربی انتقاد می‌کند و پیکار با بیگانه‌پرستی را ترویج می‌کند و بذر تنفر و انزجار از بیگانگان و سرسپردگان آنان را در دل مردم می‌کارد و پرده از اسرار شوم حکومت بر می‌دارد.

گر هادی ما ز جهل گمراه نبود گمراهی او در همه افواه نبود
کابینه نمی‌شد متزلزل هرگز گر (لیدر) خودپسند خودخواه نبود
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۶۸)

این غنچه نوشکفته خوش‌وا شده‌است و این غوره نارسیده حلوا شده‌است
آن را که برای نوکری آوردیم دیری نگذشته آقا شده‌است
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۹۴)

فرخی یزدی شگفت زده است که چرا افراد نالایق امور جامعه را به دست گرفته‌اند و انتصاب افراد در امور حکومتی بر اساس کاردانی و شایستگی آنان نیست. به صراحت خیانت کاران جامعه خود را از کژروی‌ها برحذر می‌دارد و به آنان هشدار می‌دهد و در طوفان و مقاله‌ها و گفتار آتشین آنان را خیانت‌کنندگان به مردم معرفی می‌کند.

۳-۱-۷. انتقاد از خودپرستی و ساده‌دلی حاکمان

سر دسته حزب هر چه هستند همه سر تا به قدم خویش پرستند همه
افرادی اگر در آن میان یافت شوند از ساده‌دلی آلت دستند همه
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۹۸)

افراد مسئول جامعه یا خودپرست و خودخواه هستند و یا ساده‌دل و زودباور و از این دو گروه هیچ کار شایسته و خدمت‌ارزنده‌ای بر نمی‌آید.

۳-۱-۸. دوره فترت

فرخی یزدی بارها در اشعار خود از دوره فترت یاد می‌کند؛ دوره‌ای که در آن نهضت مشروطیت شکست می‌خورد و مبارزان به گوشه‌نشینی و انزوا پناه می‌برند.

در اول عشق باده نوشی اولی در آخر عمر می‌فروشی اولی
تا دوره فترت است همچون خم می با خوردن خون دل خموشی اولی
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۹۶)

دوره فترت، دوره سکوت، خاموشی و خون دل خوردن است؛ زیرا مبارزه در این دوران نتیجه‌ای به دنبال ندارد، بنابراین باید همچون خم می، مهر بر لب، خاموش بود.

جان چند گهی گوشه‌نشین خواهد شد دل مشعل آه آتشین خواهد شد
گر طول کشد دوره فترت چندی حال من و تو بهتر از این خواهد شد
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۹۵)

بهترین شیوه مبارزه در دوره فترت، گوشه‌نشینی و انزوا است و اگر این دوره طولانی شود با تدبیر و درایت می‌توان به نتایج مطلوبی دست یافت؛ وی در انتظار به دست آمدن فرصتی بود.

۳-۱-۹. فرصت را غنیمت شمردن

در طی طریق پای خود لنگ مکن از دست به دست وقت را تنگ مکن
با حربه روزگار پیشین زین پس ای فارس فرسوده دگر جنگ مکن
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۵۳)

فرخی یزدی، انقلابیون را به مسلح شدن به ابزارهای نوین مبارزه دعوت می‌کند و با به روز شدن جامعه و ایجاد فرآیندهای جدید در جامعه و تغییر در ارکان آن، دیگر شیوه های کهن مبارزه پاسخگو نخواهد بود؛ بنابراین، باید فرصت را غنیمت شمرد و بدون از دست رفتن زمان به دست آمده از شیوه‌های کارآمد و نوین استفاده کرد.

بر سرعت عمل و اغتمام فرصت تأکید می‌کند و با ایجاد انگیزه در میان مردم، آنان را به جان فشانی برای آزادی و عدالت فرا می‌خواند.

۳-۱-۱۰. دعوت به وحدت و همبستگی

در موقع سخت می‌نباید شد سست کز عزم شکسته را توان کرد درست
خورشید موفقیت رخشان را در سایه اتفاق می‌باید جست
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۵۶)

اتحاد، همدلی و همراهی راز موفقیت هر ملت است؛ بنابراین، وی با تکیه بر دیدگاه جامعه‌شناسی خود، همه افراد جامعه عصر خود را به وحدت و همدلی فرا می‌خواند و تنها راه دست یافتن به پیروزی را اتحاد می‌داند.

۳-۱-۱۱. تبریک سال نو (تبریک ویژه)

امروز که گشته هر غنایی دل خوش و ز مقدم نوروز جهان مینووش
تبریک صمیمانه خود را طوفان تقدیم کند به توده زحمت کش
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۵۵)

تنها به مردمان زحمت کش و رنج‌دیده زمان خود، فرارسیدن سال نو را تبریک می‌گوید و از حاکمان فرعون‌صفت زمانه خود ابراز انزجار می‌کند. روزنامه طوفان را حامی مردم می‌داند؛ بنابراین، تمامی مطالب آن حتی تبریک سال نو نیز از آن مردم است. در

پیام تبریک خود جسورانه این گونه سخن می گوید: «کارکنان طوفان، مقدم مسعود نوروز فیروز را با قلبی مشعوف و اندوهگین تبریک می گویند نه به آن دسته که شوکت و طنین جلالشان ارکان گیتی را تکان داده و در بارگاه فرعونى خویش استراحت نموده اند... ما تبریک می گوئیم به جامعه زحمت کش و رنجبران دنیا...». در این پیام با شهادت از تن پروری حاکمان عصر خود انتقاد می کند.

۱۲-۱-۳. ویژگی های نماینده و حاکم خوب

اول ره کار را نشان باید داد در موقع کار امتحان باید داد
چون کار به عالم جوان نسپاری پس کار به پیر کاردان باید داد
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۴۶)

افرادی باید برای اداره امور جامعه انتخاب شوند که از بوتۀ آزمایش گذشته و از آزمون خود سربلند بیرون آمده باشند؛ بنابراین، باید مسؤلیت های اجتماعی و سیاسی را به افراد کاردان، دانا، آگاه و باتجربه سپرد. در همین شماره از روزنامه که با موضوع «برای کار، متخصص شرط است» منتشر شده، می گوید: «برویم فکر چاره بکنیم که برای کار، مرد کار و اهل کار باید جست...» (فرخی یزدی، ۱۳۰۲، شماره ۴۶).

در مسلک ما که عزت و ذلت نیست سلطان و فقیر و کثرت و قلت نیست
هر کس که به دست خویشتن کار نکرد صالح به نمایندگی ملت نیست
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۵۹)

افرادی شایستگی نمایندگی جامعه را دارند که زحمت کش و پرتلاش باشند و در نظر آنان تمامی اقشار جامعه از حقوق مساوی برخوردار باشند.

گر هادی ما ز جهل گمراه نبود گمراهی او در همه افواه نبود
کابینه نمی شد متزلزل هرگز گر لیدر خودپسند خودخواه نبود
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۶۸)

خودخواهی، جهل و گمراهی حاکم، از مهم ترین عوامل سقوط یک جامعه است و حاکمان هم عصر خود را به این دلیل رد صلاحیت می کند که افرادی خودپسند، مغرور و نادان هستند و شکست کابینه را حاصل گمراهی آنان می دانند.

با پاک دلان پاک نهادی باید از مختلسین قطع ایادی باید
یا آن که ز ورشکستگی باید مرد یا چاره فقر اقتصادی باید
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۴۲)

برای حل نهایی مشکلات اقتصادی جامعه، پیشنهاد می کند که باید از طریق درستی و پاکی وارد شد و دست ظالمان حکومتی را قطع کرد. در باور او مردم جامعه افرادی پاک نهاد هستند و شایستگی آن را دارند که حاکمانشان نیز افرادی پاک و مبرا از هر آلودگی باشند؛ حاکمان و مردم را به نهضت اقتصادی فرامی خواند.

۳-۱-۱۳. تعریض به حق

دنیای ضعیف کش که از حق دور است حق را به قوی می دهد و معذور است
 بیهوده سخن ز حق و باطل چه کنی روزور به دست آر که حق با زور است
 (فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۳۷)

با بیانی کنایی و رندانه، دنیا را مورد سرزنش قرار می دهد که حق و راستی را به دست
 ظالمان سپرده است. بر این باور است که برای رسیدن به حق خود باید به زور متوسل شد؛
 راهی که سرپرستان امور حکومتی جامعه زمان او در پیش گرفته بودند.

۳-۱-۱۴. احترام به قانون و قانونمندی

مظلوم کشی طریقه محتشم است قانون شکنی پیشه اهل ستم است
 هر سر که به احترام قانون خم شد در مسلک ارباب قلم محترم است
 (فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۱۷)

احترام به قانون بر همه واجب است؛ کسانی که به قانون احترام می گذارند - از هر
 طبقه ای که باشند - افرادی درست کردار و قابل احترام هستند؛ قانون شکنی جرمی
 نابخشودنی است و اهل قلم پایبند بودن به قانون را از اصول مسلم خود می دانند.

تحکیم اساس بر مؤسس فرض است این اصل به هر منعم و مفلس فرض است
 بر فرض و کیل هم خطا پیشه بود بر جامعه احترام مجلس فرض است
 (فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۶۹)

احترام به مجلس را به عنوان یکی از ارکان قانون گذاری در جامعه، بر همه واجب و ضروری می داند، حتی اگر نمایندگان افرادی شایسته نباشند، قانون شکنی، جرمی است که قابل چشم پوشی نیست، با این گفتار نهایت تعصب و توجه نسبت به قانون و قانون مندی آشکار می شود.

۳-۱-۱۵. معرفی مرامنامه و مسلک خود

در رباعیات خود، اصولی را معرفی می کند که خود به شدت بدان پای بند است و هم فکran خود را نیز به رعایت این اصول و فرامین فرا می خواند؛ این بیانات در واقع شیوه نامه مبارزه است که در این ابیات خوانده شده است.

۳-۱-۱۶. دوری از تهمت زدن

چون نامه ما برای کلاشی نیست چون خامه ما مرتشی از راشی نیست
پس پیشه ما هرزه درایی نبود پس حربه ما تهمت و فحاشی نیست
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۱۰)

از شیوه مبارزه خود در تقابل با جور و ستم سخن می گوید| و خود را از هرگونه تهمت زدن، ناسزا گفتن، سست شدن و هراسیدن مبرا می داند و بر درستی و کارآمدی روش خود صحه می گذارد و به طور غیرمستقیم انتقاد از عمل کرد حاکمان حکومتی و نادرستی رفتار آنان را گوشزد می کند.

۳-۱-۱۷. عدم تسلیم در برابر ظلم و ستم

شادم که دل خراب تسلیم نشد در پیش او امید و بیم تسلیم نشد
 یک صبح رهین نور امید نگشت یک شام غمین ظلمت و بیم نشد
 (فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۷۳)

مبارز نستوه و شکست ناپذیر است و در مسلک وی، بیم جایی ندارد، با شهامت و
 بیباکی از عدالت و آزادی دفاع می کند و نه از دشمنان خود هراسی به دل راه می دهد و نه
 از دوستان امیدی برمی گیرد؛ بلکه تسلیم ناپذیر و مقاوم بر شیوه خود پافشاری می کند.

۳-۱-۱۸. برابری همه افراد جامعه در جامعه نگری

در نگرش اجتماعی و در شیوه مبارزه وی تمامی افراد جامعه از حقوق یکسان برخوردار
 هستند، بنابراین براساس این اصول، به مبارزه خود ادامه می دهد.

در مسلک ما که عزت و ذلت نیست سلطان و فقیر و کثرت و قلت نیست
 هر کس که به دست خویشان کار نکرد صالح به نمایندگی ملت نیست
 (فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۵۹)

پس عزت و ذلت، سلطنت و فقر در شیوه نامه مبارزه، جایی ندارد و خواستار برادری
 و برابری در جامعه است.

ما تکیه به فائیدین ناشی نکنیم از مسلک خویشتن تحاشی نکنیم
چون بت شکنی مرام دیرینه ماست اینست که تازه بت تراشی نکنیم
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۵۷)

عدم اعتماد به افراد ناشایست و سرپرستان جامعه، سبب می شود تا در راه خود به هیچ کس تکیه نکند و بت شکنی مرام دیرپای او است و آمده تا بت های ظلم و ستم را از جامعه زمان خود براندازد.

۳-۱-۱۹. قدرشناسی و قدردانی از کار شایسته

در جامعه نگری خود بر این باور است که عملکرد شایسته که براساس عدالت و برابری در جامعه صورت بگیرد، قابل ستایش و تمجید است.

ما طالب آن که کار مطلوب کند خود را بر خوب و زشت محبوب کند
ما دوست نداریم نمایم انکار گر دشمن ما هم عمل خوب کند
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۴۸)

کار نیکی که براساس منافع عمومی مردم جامعه صورت گرفته حتی اگر از طرف دشمن باشد نیز قابل پذیرش و تحسین است. این نوع نگرش به مسائل جامعه و امور اجرایی، انعطاف پذیری فرخی را نشان می دهد و در عین سرسختی و تسلیم ناپذیری در برابر کردار نیک و خدمت شایسته به مردم، سر تسلیم فرود می آورد.

۳-۱-۲۰. وفا داری، صفا و صمیمیت و مبارزه با جور و ستم

طوفان که طرفدار صفا خواهد بود معدوم کن جور و جفا خواهد بود
گر جنگ کند برای حیثیت خویش نسبت به عقیده با وفا خواهد بود
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۴۴)

مرکز و کانون مبارزات پایان‌ناپذیر و اندیشه‌های مبارزاتی و اجتماعی خود را در این نشری طوفان‌زا به تماشا گذاشته است و از صفا، صمیمیت و پاکی سخن می‌گوید و اعلام می‌کند که در راه نابودی ظلم و ستم و نابرابری اجتماعی وفادار خواهد ماند؛ وفاداری به اندیشه‌های انقلابی خود در این ابیات به صراحت و با قاطعیت بیان شده و پافشاری بر ادامه راه را نشان می‌دهد.

۳-۱-۲۱. احساس همدردی و همراهی با رنج و غم مردم

درد و رنج، درد و رنجی اجتماعی است و از نبودن آزادی، برابری و عدالت است، از درد و رنج مردم ستم دیده و مظلوم، اندوهگین است و تلاش می‌کند از طریق فریاد طوفان از مردم حمایت کند.

طوفان بشنو چونی نوای تبریز وز دیده بیار خون برای تبریز
با جبهه قار و قامت چنگ چونی کن ناله برای نینوای تبریز
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۱۸)

همدردی با مردم را از اصول مبارزاتی طوفان می‌داند و در این ابیات به طور غیرمستقیم با مردم تبریز همدردی می‌کند و از رنج و ستم وارد شده بر آنان فریاد برمی‌آورد. ناله طوفان باید چون نوای نی، اندوه حاصل از نینوای تبریز را به گوش مردم جامعه برساند.

۳-۱-۲۲. تأکید بر سکوت و خاموشی معنادار «مهر بر لب»

گر شیخ ریا قلدح نوش نبود گر شحنه شهر مست و مدهوش نبود
یک شمه ز بی‌مهری او می‌گفتم گر مهر مرا بر لب خاموش نبود
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۹۲)

شاعر با بیانی سرشار از تعریض و کنایه، مسئولان جامعه عصر خود را مورد نکوهش قرار داده است و عبارت کنایی مهر بر لب، اشاره به دوخته شدن دهان فرخی دارد و خاموشی پیشه کرده و شاعر اگرچه با رندی ویژه خود فساد و خفقان حاکم بر جامعه را بر ملا می‌کند، اما به دوخته شدن دهان خود نیز اشاره‌ای می‌کند.

۳-۱-۲۳. زیبایی‌های شعری در رباعیات

به دلیل مشغله‌های اجتماعی-سیاسی و درگیری‌های مبارزاتی خود، فرصت پرداختن به هنرنمایی‌های شاعرانه را نداشته، اما به دلیل تسلطی که بر شعر فارسی داشته‌است به بازتاب آرایه‌های بدیعی، بیانی و بلاغی، در اشعار خود پرداخته و مهم‌ترین آن، تشبیه، جناس، واج‌آرایی، ایهام، تلمیح و رنگ‌آمیزی نیز استفاده کرده‌است (مسرت، ۱۳۸۴: ۳).

تمام رباعیات منتشر شده در روزنامه، بن مایه سیاسی دارند و مضامین به کاررفته در آن ها همه سیاسی و اجتماعی است، اما در بیان این اصول از تصاویر زیبای شعری نیز غافل نبوده است و جابه‌جا از زیبایی‌های شعری بهره‌برده و بدین وسیله بر میزان تأثیر کلام خود بر مخاطب افزوده است.

طوفان بشنو چونی نوای تبریز وز دیده بیار خون برای تبریز
با جبهه قار و قامت چنگ چونی کن ناله برای نینوای تبریز
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۱۸)

تکرار واژه «نی» و «تبریز» و واج آرای در صامت «ن»، بار موسیقی آن را افزون کرده است و شاعر با مخاطب قرار دادن طوفان، ایهامی در بیت ایجاد کرده که هم طوفان واقعی را یادآور می‌شود و هم روزنام طوفان را به خاطر می‌آورد و با جان‌بخشی به آن بر بار تخیل رباعی افزوده است.

در اول عشق باده نوشی اولی در آخر عمر میفروشی اولی
تا دوره فترت است همچون خم می با خوردن خون دل خموشی اولی
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۹۶)

تکرار واژه «می» و ایجاد تناسب بین واژه‌های «می»، «باده»، «می فروشی» و «خم»، همگی زیبایی ابیات را افزون کرده است؛ تصویر زیبای خوردن خون دل همچون خم می و خاموش بود از دیگر رندی‌هایی است که در این رباعی قابل مشاهده است و تعبیر کنایی خون دل خوردن نیز در تناسب با می، زیبایی ویژه‌ای به شعر بخشیده است.

جان چند گهی گوشه نشین خواهد شد دل مشعل آه آتشین خواهد شد
گر طول کشد دوره فترت چندی حال تو و من بهتر از این خواهد شد
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۹۵)

دل مشعلی خواهد شد که آه آتشین از آن زبانه خواهد کشید؛ محتوای سیاسی این بیت به همراه امیدی که در مصرع آخر موج می‌زند و گوشه‌نشین شدن جان و آه‌ناک بودن دل، تأثیر رباعی را دو چندان کرده است.

گر شیخ ریا رند قدح نوش نبود گر شحنه شهر مست و مدهوش نبود
یک شمه ز بی مہری او می‌گفتم گر مهر مرا بر لب خاموش نبود
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۹۲)

تعبیر کنایی گنجینه راز بودن و راز نهفته جعبه آرا و آن را مسبب نامهربانی روزگار دانستن، بار عاطفی در شعر ایجاد کرده است.

در موقع سخت می‌نباید شد سست کز عزم، شکسته را توان کرد درست
خورشید موفقیت رخشان را در سایه اتفاق می‌باید جست
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۵۶)

کاربرد متضاد واژه‌های «سست»، «سخت»، «شکسته» و «درست»، تقابل زیبایی در این بیت ایجاد کرده است، در بیت دوم، موفقیت به خورشید رخشانی مانند شده که تنها در

سایه همدلی و همراهی به دست می آید و گرمابخش جامعه می شود و همراهی واژه های «خورشید» و «سایه» خود از دیگر زیبایی های شعر او است که قابل تأمل است.

در طی طریق پای خود لنگ مکن از دست به دست وقت را تنگ مکن
با حربه روزگار پیشین زین پس ای فارس آسوده دگر جنگ مکن
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۵۳)

عبارت کنایی پای خود را لنگ کردن در کنار دست به دست کردن که خود تعبیری کنایی است، ابهام زیبایی به وجود آورده است و تقابل «پیش» و «پس» نیز در کنار واج آرابی و تکرار، بار موسیقی ابیات را افزون کرده است.

آن عهد که بسته شد میان من و دوست بشکسته شد از فتنه اهریمن و دوست
دانستم از اول که در این کار آخر انگشت نما شدم بر دشمن و دوست
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۵۲)

تضاد کلمه های بسته و شکسته، اول و آخر، دشمن و دوست و هم نشینی واژه های اهریمن و دوست با عبارت کنایی انگشت نما شدن و تکرار «دوست» بر تأثیر کلام شاعر افزوده است.

این پول که صاحبان القاب خورند خون دل ماست چون می ناب خورند
تا کی عرق جبین یک ملت را بگرفته و قطره قطره چون آب خورند
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۶۳)

تصویر زیبای خون دل همچون می ناب و خالص، تعریض کلام را بیشتر کرده است که قطره قطره خوردن عرق جبین ملت، هم چون آبی گوارا، نهایت صراحت گویی را در عین زیبایی بیان کرده است.

هر جا سخن از سیم و زر ناب و رود کی لرد طلا پرست در خواب رود
ای کاش که این جزیره آتش خیز خاکش ز نزول باد در آب رود
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۹۱)

شاعر با استفاده از واژه‌های خاک، آب، باد و آتش، بازی زیبایی با کلمات کرده و با تعبیر کنایی «لرد طلا پرست»، لحنی حماسی و تند به خود گرفته است. تعبیر «جزیره آتش خیز» که در معنای منفی به کاررفته نیز از دیگر هنرمندی‌های شاعر است.

عالم همه عابدند و معبود یکیست دنیا همه ساجدند و مسجود یکیست
با دیده انصاف چو نیکو نگری روحانی و ما را همه مقصود یکیست
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۲۲)

آرایه تلمیح، لطف و صفای ویژه‌ای ایجاد کرده و تفکرات دینی را آشکار کرده است و به صراحت آیات قرآن مجید، آنچه در آسمان و زمین است، خداوند را ستایش می‌کنند: «یسبح لله ما فی السموات و ما فی الارض» (جمعه/۱)؛ به کاربردن واژه‌های عبد و معبود و ساجد و مسجود در کنار یکدیگر، علاوه بر آن که ظرافت زیبایی در شعر ایجاد کرده، اندیشه‌های دینی او را نیز معرفی کرده است.

۳-۱-۲۴. طنز در گفتار

«طنز شیوه بیان طرح مسائلی است که لحن جدی در طرح آن‌ها بی‌اثر است که در دوره مشروطه از بیان طنز آلود در طرح مسائل سیاسی-اجتماعی به طور گسترده استفاده شده است و طنز در شعر کمرنگ و پنهان است، اما طنز فرخی، تمام مسائل سیاسی و اجتماعی را دربر می‌گیرد» (مشتاق مهر، ۱۳۷۸: ۴۷).

صندوق دهان بسته درش شد چون باز افکند میان این و آن غلغله باز
آراست فقط طایر اقبال همه گویند به فرق ما نشیند این باز
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۷۴)

درون‌مایه طنز آمیز و سیاسی و تصویر شعری طایر اقبال در کنار واژه باز، کلام را زیبا کرده است، برای بیشتر کردن تأثیر گفتار خود، گاه زبان به طنز می‌گشاید و با سخنانی که سرشار از طنز تلخ است، نابسامانی‌ها اجتماعی را به باد انتقاد می‌گیرد، انتخابات مجلس را مورد انتقاد قرار گرفته است.

در رباعیات خود که سرشار از درون‌مایه‌های سیاسی و اجتماعی است از زیبایی‌های شعری نیز بهره برده تا مخاطب را با کلام خود همراه و بر اندیشه او رهبری کند.

۳-۱-۲۵. لحن و زبان در رباعیات طوفان

لحن در واقع آهنگ بیان نویسنده یا شاعر است و کلماتی که نویسنده یا شاعر انتخاب می‌کند به همان اندازه که بیانگر جنبه‌های استدلالی و تصویری هستند، ممکن است بازگوکننده حال و هوای ویژه‌ای باشند؛ در حقیقت لحن، نگرشی است که نویسنده یا شاعر به مخاطب می‌دهد.

در تبیین اندیشه‌ها نمی‌توان از عنصر لحن و فضای شعر او به سادگی گذشت. شعر از نظر فضا و رنگ، حالتی ویژه دارد که در ابتدای ورود به شعر او، بیش از همه غم و اندوه، توجه مخاطب را به خود جلب می‌کند و فراوانی واژگانی از قبیل فقر، بیم، ظلمت، ناله، اشک، این اندوه را دو چندان می‌کند. خانلری درباره فضای اشعار آن عصر چنین می‌گوید: «در دوران سیاه او، اظهار خشنودی و رضایت اجباری، از وظایف افراد ایرانی شمرده می‌شد و به اصطلاح روزنامه‌های زمان، همه وظیفه دارند که نسبت به قاید بزرگوار خود ابراز احساسات کنند، حتی عاشق از معشوق حق ناخرسندی و گله ندارد...». بنابراین فضای غم بار شعر، بیانگر مبارزه ویژه او با مستبدان زمانه‌اش است که با بینش و فضای زمانه او تناسب کامل دارد و فضای شعر او دارای ارزش و اعتباری اجتماعی و سیاسی است که نباید آن را نادیده گرفت» (صرفی، ۱۳۷۸: ۵۹-۵۸).

طوفان بشنو چونی نوای تبریز و ز دیده بیار خون برای تبریز
با جبهه قار و قامت چنگ چونی کن ناله برای نینوای تبریز
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۱۸)

واژه‌های «نی»، «ناله»، «خون»، «نوا»، «نینوا»، حال و هوایی سرشار از غم و اندوه در شعر ایجاد کرده است که در کنار این اندوه جان‌گداز، واژه‌های «جبهه» و «طوفان»، بر تفاخر لحن و بیان شاعر افزوده و روح مقاومت و ایستادگی را در مخاطب تقویت می‌کند.

جان چند گهی گوشه نشین خواهد شد دل مشعل آه آتشین خواهد شد
گر طول کشد دوره فترت چندی حال تو و من بهتر از این خواهد شد
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۹۵)

حزن و اندوه بر این شعر سایه افکنده است، اما شاعر امید به آینده بهتر را به مخاطب یادآوری می‌شود و او را از یأس و ناامیدی برحذر می‌دارد.

این غنچه نوشکفته خوش وا شده‌است و این غوره نارسیده حلوا شده‌است
آن را که برای نوکری آوردیم دیری نگذشته آقا شده‌است
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۹۴)

این دو بیت، لحنی کاملاً کنایی دارد، اما حماسه کلام او و استحکام در بیانش، قابل ستایش است. در این دو بیت واژه‌های «نوکر»، «آقا» و «غوره نارسیده»، لحن شاعر را سرد و منتقدانه کرده است.

شادم که دل خراب ترمیم نشد در پیش او مید و بیم تسلیم نشد
یک صبح رهین نور او مید نگشت یک شام غمین ظلمت و بیم نشد
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۷۳)

لحن در این دو بیت، کاملاً حماسی و انقلابی است و از تسلیم‌ناپذیری خود اظهار رضایت می‌کند. واژه‌های «او مید»، «بیم»، «دل خراب» در کنار فعل تسلیم نشد، لحنی فاخر و محکم به شعر داده است.

امروز که گشته هر غنایی دل خوش وز مقدم نوروز جهان مینووش
تبریک صمیمانه خود را طوفان تقدیم کند به توده زحمت کش
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۵۵)

شاعر با تناسب فضای جامعه و فرا رسیدن عید نوروز و با در مرکز قرار دادن مخاطب خود که عامه مردم هستند، لحنی کاملاً نرم و سرشار از ملایمت و ملاطفت دارد و واژه های «نوروز»، «تبریک»، «دل خوش»، بار عاطفی در زبان ایجاد کرده و لحن او را ملایم و نرم کرده است.

بارها در بیان رباعیات سیاسی- اجتماعی خود، تغییر لحن می دهد و از بیان های گوناگون استفاده می کند، گاه به تناسب فضا و مخاطب خود، لحنی کاملاً فاخر، محکم و حماسی انتخاب می کند و گاه لحن او با نرمی و ملایمتی ویژه همراه می شود، گاه سکوت و خاموشی در لحن او فریاد می کند و گاه لحنی سرشار از ترحم و دلسوزی به خود می گیرد. در بیشتر ابیات، آن گاه که روی سخن او با حاکمان ظالم و ستمکار است، لحنی سرشار از حماسه و اقتدار دارد و آن گاه که به درد دل با مردم می پردازد، گاه زبان به ملایمت می گشاید و گاه هم چون حماسه سرا با رجز خوانی، مردم عصر خود را به جنبش و انقلاب دعوت می کند.

۳-۱-۲۶. پربسامدترین واژه ها در رباعیات طوفان

در عصر او، زبان آثار ادبی به دلیل آشنایی جامعه با دستاوردهای جدید و تغییر نگرش شاعران به جهان و قرار دادن ادبیات در خدمت اهداف سیاسی- اجتماعی وارد مرحله ای تازه شد. از آن جایی که «نوع واژگان، ترکیبات و حتی صرف و نحو جمله ها به نوعی انعکاس دهنده نظام اجتماعی و تحولات فرهنگی است فضای جامعه ایجاب می کرد که شاعران برای بیان مضامین سیاسی، اجتماعی، زبانی مناسب با این مضامین انتخاب کنند» (عباسی، ۱۳۸۹: ۱۲۰).

«چون شاعران هم عصر خود با بهره گیری از عناصر زبان و لحن مناسب به تبیین بینش انتقادی خود پرداخته است و زبان و واژگان شعری به پیروی از محتوای وارد شده در

رباعیات انتخاب شده است که زبان شعر وی، سنجیده و ورزیده است و بیشتر کلمات ادبی و آرکائیک به کار می‌برد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۹: ۵۷) و با بررسی واژه‌های پرکاربرد در اشعار و به ویژه رباعیات، می‌توان به ذوق و سلیقه و ویژگی‌های روحی و روانی وی تا حدود زیادی پی برد.

واژه‌های نماینده، وکیل، مجلس، کابینه، آراء، انتخابات، قانون و احترام به قانون از پرکاربردترین واژه‌ها است که با مضمون و موضوع اشعار تناسب کامل دارد و با استفاده از این واژه‌ها، ترکیبات و تعبیراتی، ساخته و در چارچوب آن، اندیشه‌های خود را بیان کرده است که ترکیبات، کاندید جدید، صندوق دهان بسته، جعبه سرنوشت، جعبه شوم کن، وکیل خطاپیشه، صاحبان القاب، شیخ ریا، شحنه مست، مجلس اشرافی زبان دوزخی، تعبیری هستند که در رباعیات خود به کار برده و به وسیله آن‌ها به تبیین اندیشه‌های خود پرداخته است؛ این ترکیبات، زبان رباعیات فرخی را ویژه کرده است.

واژه‌های فقر، انقلاب، آزادی، مسلک، عزت، ذلت، شرافت، سعادت، دنیا، بیم، امید، ظلمت، نور، وفاداری، فترت و طوفان از دیگر واژه‌های پرکاربرد در این رباعیات هستند که در ترکیب‌های زمزمه‌های انقلابی، فقر اقتصادی، عرق جبین ملت، اقدام غیورانه، پیر کاردان، سایه اتفاق، توده زحمت کش، فتح باب، مشکل فقر، نور امید و مهر بر لب به کار رفته و در بیان اندیشه‌ها مؤثر واقع شده‌اند؛ با وارد کردن این واژه‌ها در رباعیات خود بر بار سیاسی آن‌ها افزوده و کلام خود را کاملاً انتقادی کرده است.

گاه ترکیبات عامیانه به کار رفته که بر سادگی زبان شعری او دلالت می‌کند و ترکیباتی از قبیل خاک بر سر بودن، سر خرابی داشتن، آلت دست بودن، خون بر گردن کسی بودن، جنگل مولا و انگشت‌نما شدن از جمله تعبیراتی است که زبان شاعر را مردمی و ساده کرده است.

با وارد کردن ترکیبات و واژگان سیاسی، اجتماعی، می‌کوشد زبانی تازه به رباعیات خود ببخشد تا واقعیت‌های جامعه عصر خود را با زبانی ساده، اما متفاوت برای مردم بیان کند.

۳-۱-۲۷. تناسب محتوای رباعیات با موضوع طوفان

هر کدام از شماره‌های طوفان با موضوع معینی منتشر شده است و با توجه به موضوع انتخاب شده، فرخی، یک رباعی را که دارای وحدت موضوع و مضمون با موضوع روزنامه است در شماره‌های متعدد روزنامه طوفان وارد می‌کرد. به عنوان نمونه، موضوع یکی از شماره‌های طوفان «انعکاس صدای ما»، متناسب با این موضوع سروده است:

طوفان بشنو چونی نوای تبریز و ز دیده بیار خون برای تبریز
با جبهه قار و قامت چنگ چون نی کن ناله برای نینوای تبریز
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۱۸)

واژه‌های انتخاب شده و مضمون وارد شده در وحدت کامل با موضوع روزنامه قرار دارند. شاعر از روزنامه خود انتظار دارد تا صدای درد و غم مردم جامعه‌اش را به گوش جهان برساند، این ناله، ناله بیداری و آگاهی است.

۳-۱-۲۷-۱. موضوع روزنامه: «یا مرگ یا زندگی»

در مملکت انقلاب می‌باید و بس و ز خون عدو خضاب می‌باید و بس
خواهی تو اگر شوی موفق فردا امروز دگر شتاب می‌باید و بس
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۷۲)

این شعر نیز در معرفی موضوع روزنامه سروده شده است و شاعر فریاد یا مرگ یا آزادی سر می‌دهد و با زبان شعر نیز این اندیشه را تبلیغ می‌کند.

۳-۱-۲۷-۲. موضوع: «طوفان بت شکن»

ما تکیه به قائدین ناشی نکنیم از مسلک خویشان تحاشی نکنیم
چون بت شکنی مرام دیرینه ماست این ست که تازه بت تراشی نکنیم
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۵۷)

طوفان، بت‌شکنی معرفی شده که می‌خواهد ریشه ظلم و استبداد را بخشکاند و آن را نابود کند؛ شاعر بلافاصله با سرایش این رباعی بر درستی شیوه خود، پافشاری کرده و بت شکنی را تبلیغ می‌کند. وی در ادامه در قسمتی از مقاله منتشر شده در همین شماره می‌گوید: «بت‌ها را بشکنید تا کعبه آمال ملت قبله‌گاه حقیقی نیازمندان و ستایش‌گاه بی‌حریم دردمندان گردد، این موج‌های عزیز که بر اورنگ محبوبیت مصنوعی با طمطراق فرعون‌ی آرمیده‌اند نابود نموده، آن‌گاه به طرف کعبه بی‌پاسبان اصلاحات با قوت قلب و امیدواری بپردازید...» (فرخی یزدی، ۱۳۰۲، شماره ۵۷).

۳-۱-۲۷-۳. موضوع: «نهضت اقتصادی»

جمعی زغنا صاحب افسر باشند یک دسته ز فقر خاک بر سر باشند
باید که بر این فرود و از آن یک کاست تا هر دو برادر و برابر باشند
(فرخی یزدی، ۱۳۰۲: شماره ۴۷)

این بیت نیز در ترویج قیام اقتصادی سروده شده و شاعر از نابرابری اقتصادی که در این شماره بدان پرداخته شده، پرده برمی‌دارد و راه رسیدن به اقتصادی سالم و جامعه‌ای برابر را در توزیع عادلانه ثروت‌های جامعه می‌داند. با انتخاب موضوع «نهضت اقتصادی»، سیر کلی این شماره را بیان کرده و با همراه کردن آن، خواسته خود را تشریح می‌کند.

نتیجه‌گیری

برجسته‌ترین دستاورد این مقاله کاربرد خاص رباعی در زمینه اهداف سیاسی و روش مبارزه با صدا و قلم از طریق روزنامه است. فرخی از نستوه‌ترین شاعران مبارز در دوره مشروطه است که با کلام آتشین خود، حاکمان ستمگر عصر خود را به مبارزه فراخوانده و بر سر مسلک خود، وفادار مانده و جان داد؛ یکی از حربه‌ها در برخورد با حکومت مردم‌گداز زمانه خود، انتشار روزنامه طوفان و رباعیات به کار رفته در این روزنامه، همه دارای مضامین سیاسی-اجتماعی و کاملاً انتقادی هستند که در تناسب و هماهنگی کامل با موضوع روزنامه سروده شده‌اند.

قالب مختصر و تراکم‌پذیر رباعی، وسیله بیان اندیشه‌های مبارزه‌قرار گرفته است، بارها در این اشعار از درون‌مایه‌های آزادی، وطن دوستی، وفاداری، درست‌کاری، مردم دوستی و ظلم‌ستیزی سخن گفته است و در بیان محتوای این اشعار، شاعر از زیبایی‌های شعری و تصاویر ادبی نیز استفاده کرده و بر تأثیر کلام خود افزوده است که در نوع خود کم‌نظیر است.

لحن در سرایش رباعیات انتقادی، متغیر است؛ وی گاه لحنی کاملاً حماسی و مبارزاتی دارد و گاه ملایم و ترحم‌آمیز می‌شود و واژه‌های به‌کاررفته در این اشعار، متناسب با فضای ذهن شاعر انتخاب شده و واژگانی حماسی، سیاسی، مبارزاتی و گاه ادبی و عاطفی هستند.

به طور کلی فرخی قالب کوتاه رباعی را در خدمت بیان اندیشه‌های سیاسی خود قرار داده و از زبان ویژه‌ای نیز استفاده کرده و به خوبی از عهده بیان مضامین سیاسی و انتقادی برآمده است.

منابع

قرآن کریم

- آرین پور، یحیی. (۱۳۸۲). *از نیما تا روزگار ما*. ج ۱. چ ۵. تهران: زوار.
- اخوان ثالث، مهدی. (۱۳۶۹). *بدایع و بدعت‌ها و عطا و لقای نیما یوشیج*. چ ۲. تهران: بزرگمهر.
- توکل محمدی، محمدرضا. (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی تجلی عشق به میهن در اشعار فرخی یزدی و معروف الرصافی. *نشریه ادبیات تطبیقی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان*. ش ۵. صص ۷۲-۴۵.
- حسینی کازرونی، احمد. (۱۳۸۷). *دیوان فرخی یزدی*. چ ۲. تهران: ارمغان.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۵۹). *ادوار شعر فارسی (از مشروطیت تا سقوط سلطنت)*. تهران: طوس.
- صرفی، محمدرضا. (۱۳۷۸). جامعه‌شناسی شعر فرخی یزدی. *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان*. ش ۴ و ۵. صص ۷۱-۵۰.
- صدری‌نیا، باقر. (۱۳۷۸). مبانی نظری و ویژگی‌های تلقی میهنی فرخی یزدی. *کتاب ماه ادبیات و فلسفه*. ش ۲۸. صص ۸-۴.
- عباسی، رضا. (۱۳۸۹). تحلیل زبانی اشعار فرخی یزدی براساس نظریه زیبایی‌شناسی انتقادی. *فصل‌نامه علمی-پژوهشی پژوهش زبان و ادبیات فارسی*. ش ۱۷. صص ۱۴۹-۱۱۳.

- فرخی یزدی، محمد. (۱۳۰۲). انعکاس صدای ما. *روزنامه طوفان*. س ۱. ش ۱۸.
- _____ (۱۳۰۲). اتحادیه پنجگانه محلات. *روزنامه طوفان*. س ۲. ش ۵۶.
- _____ (۱۳۰۲). اسلام-و-آزادی. *روزنامه طوفان*. س ۲. ش ۲۲.
- _____ (۱۳۰۲). انتقاد از کارگزاران. *روزنامه طوفان*. سال اول. ش ۱۴.
- _____ (۱۳۰۲). انجمن‌های ایالتی و ولایتی. *روزنامه طوفان*. س ۲. ش ۴۴.
- _____ (۱۳۰۲). آزادی-آزادیخواهی. *روزنامه طوفان*. س ۲. ش ۶۴.
- _____ (۱۳۰۲). آشیانه فتنه. *روزنامه طوفان*. س ۲. ش ۲۹.
- _____ (۱۳۰۲). برای کار متخصص شرط است. *روزنامه طوفان*. س ۲. ش ۴۶.
- _____ (۱۳۰۲). بلای ناامنی. *روزنامه طوفان*. س ۲. ش ۹۲.
- _____ (۱۳۰۲). بودجه مملکتی. *روزنامه طوفان*. س ۲. ش ۶۳.
- _____ (۱۳۰۲). به محترم وزیر امور خارجه. *روزنامه طوفان*. س ۲. ش ۴۲.
- _____ (۱۳۰۲). به مستشار مالیه. *روزنامه طوفان*. س ۲. ش ۹۴.
- _____ (۱۳۰۲). بی اعتباری احزاب. *روزنامه طوفان*. س ۲. ش ۹۸.
- _____ (۱۳۰۲). بی تکلیفی- اغتشاش. *روزنامه طوفان*. س ۲. ش ۶۹.
- _____ (۱۳۰۲). بیم و امید. *روزنامه طوفان*. س ۲. ش ۷۳.
- _____ (۱۳۰۲). تبریک و تهنیت. *روزنامه طوفان*. س ۲. ش ۵۵.
- _____ (۱۳۰۲). تزلزل کابینه و تأسف ما. *روزنامه طوفان*. س ۲. ش ۶۸.
- _____ (۱۳۰۲). تعداد آراء قرائت شده. *روزنامه طوفان*. س ۲. ش ۸۸.
- _____ (۱۳۰۲). تعداد آراء قرائت شده. *روزنامه طوفان*. س ۲. ش ۸۱.
- _____ (۱۳۰۲). تعداد آراء قرائت شده. *روزنامه طوفان*. س ۲. ش ۷۷.
- _____ (۱۳۰۲). حاتم بخشی عجیب. *روزنامه طوفان*. س ۲. ش ۵۲.
- _____ (۱۳۰۲). حکم یا خدمت. *روزنامه طوفان*. س ۲. ش ۳۷.

- _____ (۱۳۰۲). دنیا برای همه. **روزنامه طوفان**. س ۲. ش ۶۷.
- _____ (۱۳۰۲). سلطنت استبداد - حکومت مشروطه. **روزنامه طوفان**. س ۲. ش ۵۹.
- _____ (۱۳۰۲). سودای نمایندگی. **روزنامه طوفان**. س ۲. ش ۵۸.
- _____ (۱۳۰۲). طوفان بت شکن. **روزنامه طوفان**. س ۲. ش ۵۷.
- _____ (۱۳۰۲). عدم موفقیت از کجاست. **روزنامه طوفان**. سال اول. ش ۱۰.
- _____ (۱۳۰۲). فریاد پریشانی. **روزنامه طوفان**. س ۲. ش ۵۳.
- _____ (۱۳۰۲). کابینه شوم. **روزنامه طوفان**. س ۲. ش ۲۵.
- _____ (۱۳۰۲). مالک - مستأجر. **روزنامه طوفان**. س ۲. ش ۹۷.
- _____ (۱۳۰۲). متواضع به قانون محترم است. **روزنامه طوفان**. س ۲. ش ۱۷.
- _____ (۱۳۰۲). مطالعه پروگرام. **روزنامه طوفان**. س ۲. ش ۴۸.
- _____ (۱۳۰۲). نتیجه آراء مستخرجه. **روزنامه طوفان**. س ۲. ش ۷۴.
- _____ (۱۳۰۲). نهضت اقتصادی. **روزنامه طوفان**. س ۲. ش ۴۷.
- _____ (۱۳۰۲). یا مرگ یا زندگی. **روزنامه طوفان**. س ۲. ش ۷۲.
- _____ (۱۳۰۲). انتخابات. **روزنامه طوفان**. س ۲. ش ۹۲.
- مشتاق مهر، رحمان. (۱۳۷۸). نگاهی به شعر و هنر فرخی یزدی. **نشریه فرهنگ و هنر**. ش ۴۲. صص ۴۹-۴۳.
- مسرت، حسین. (۱۳۸۴). دو کتاب تازه درباره فرخی یزدی. **کتاب ماه ادبیات و فلسفه**. ش ۹۶. صص ۸۹-۸۴.
- _____ (۱۳۸۴). **پیشوای آزادی**. تهران: نشر ثالث.
- میرصادقی، جمال. (۱۳۸۸). **عناصر داستان**. تهران: سخن.